

قسمت چهارم

ب - انتخاب ریاست جمهوری :

" پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی-ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً بر رهبری مربوط میشود بر عهده دارد رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب میشود ."

اصل یکصد و سیزده و یکصد و چهارده قانون اساسی :

چنانکه ملاحظه میکنید قانون اساسی وظیفه سنگین انتخاب رئیس جمهوری را نیز بر عهده ملت گذارده و توده ملت است که با انتخاب رئیس جمهوری قسمتی از سرنوشت کشور را تعیین میکند. مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور است و همانطوریکه اشاره کردیم قوانین هر اندازه عادلانه و دقیق تنظیم شود، اگر صحیح اجرا نگردد نتیجه مطلوب نمیدهد و مسئله مهم در اجتماع اجرا صحیح و دقیق قوانین است. یک رئیس جمهور لایق و پایبند با اجرا قانون، حافظ حقوق ملت و ضامن سعادت کشور است و بر عکس یک رئیس جمهور نالایق و خود سرکش کشور را به هرج و مرج و نابودی میکشاند .

شرایط ریاست جمهوری در قانون اساسی :

" رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد :

ایرانی الاصل ، تابع ایران ، مدیر و مدبر دارای حسن سابقه و امانت و تقوی ، مو من و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور " (اصل یکصد و پانزدهم)
همانطوریکه در گذشته اشاره کردیم شرایطی

شبه نظر اسلام و قانون اساسی

حجة الاسلام محمدی سلطانی

ریاست جمهوری

پیامبر (ص) : پیشوائی جز برای مردی
که در او سه خصلت باشد شایسته نیست
اول ورع و پارسایی دوم حلم و بردباری
سوم حسن سلوک با مردم

که در قانون اساسی برای رئیس جمهوری ذکر شده حداقل شرایط است. و باید دانست که در اسلام امر زعامت بسیار مهم است و کسی که عهده دار زعامت مسلمین میشود باید در حد اعلای شرایط باشد. در اسلام برای زمامداران و مسئولان حکومت شرایط بسیاری هست که نمونه‌ای از آنها را ذکر میکنیم:

از پیامبر (ص) نقل شده است: امامت و پیشوائی (ریاست بر مردم) جز برای مردی که در او سه خصلت باشد شایسته نیست: اول ورع و پارسائی است که او را از نافرمانی خدا باز دارد. دوم حلم و بردباری است که بتواند خشم خود را مهار کند. سوم حسن سلوک و خوش رفتاری با مردم است بطوری که برای ملت مانند پدری مهربان باشد.

"عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا تَصْلُحُ إِلَّا بَأَمَّةٍ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَحِلْمٌ يَمْلِكُهُ بِدَغْصَبِهِ وَحَسَنُ الْوِلَايَةِ عَلَيَّ مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَأَوْلَادِ الرَّحِيمِ."

(اصول کافی ج ۱ ص ۴۰۲)

و از امام علی (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: کسیکه زمامدار و سرپرست مسلمین است و مسئولیت جان و مال و ناموس مسلمانان بر عهده او است و ضامن اجرای حدود و احکام الهی می باشد سزاوار نیست انسانی بخیل (و مال دوست) باشد که در جمع اموال مسلمانان حریص باشد و نه جاهل (و بی خبر از قانون خدا) باشد که مردم را از مسیر اسلام واقعی منحرف سازد و آنها را گمراه کند و نه فردی ستمگر باشد که مردم را با ستمکاری خود مأیوس و ناامید نماید و ناهل حیف و میل اموال باشد که یک عده را بسدور خود جمع کند و دیگران را از خود دور سازد

و نه رشوه خوار باشد که حقوق افراد را تضعیف کند و نه سنت‌های خدا را تعطیل نماید که امت اسلامی را بهلاکت معنوی دچار سازد.

"وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالِدِمَاءِ وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَةَ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلِ فَتَكُونَ فِي أَمْوَالِهِمْ تَهْتِكَةً وَلَا الْجَاهِلِ فَيُخْلِبُهُمْ بِجَهْلِهِ وَلَا الْجَافِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَاةٍ وَلَا الْخَائِفَ لِلدَّوْلِ فَيَتَخَذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ وَلَا الْمُؤْتَمِرَ فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقِيقِ وَيَقِفَ بِهَا دُونَ

مسلمانان باید دارای این خصوصیات باشد:

۱- پارسائی و برهیز از گناه و دوری از نافرمانی خدا همراه با حلم و بردباری بطوری که بدون اعمال غضب و خشم بیجا با مهربانی با مردم روبرو شود.

۲- آگاهی کامل از قوانین اسلام و احکام الهی: اگر زمامدار با حکام خدا آشنا نباشد و از دستوراتیکه پیغمبر اسلام آورده است به خوبی اطلاع نداشته باشد و اسلام را از سر-چشمه زلال گفتار ائمه معصومین (ع) نگرفته باشد، گرفتار افکار انحرافی و التقاطی میشود و بجای اینکه ملت را باسلام دعوت کند بنام



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز مباحثات و محاضرات
مركز مباحثات و محاضرات

اسلام آنها را بانحراف میکشاند و چه بسا باعث کفر و ارتداد عده زیادی از مسلمانان میگردد و آنها را بهلاکت میرساند.

۳- سخاوت نفسانی و بی اعتنائی بثروت

الْمَقَاتِعِ وَلَا التَّمَعُّطِ لِلْمُنْتَهَى فَيَهْلِكُ الْأُمَّةُ" (نهج البلاغه صبحی صالح ص ۱۸۹)
بر حسب آنچه از سخنان رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) دست می‌آید زمامدار

دنیا . رئیس حکومت معمولاً با قدرت است و در شرائطی قرار میگیرد که جمع مال و ثروت اندوزی برای او میسر است، ممکن است قسمتی از اموال بیت المال را بخود اختصاص دهد و در خارج یا داخل کشور ذخیره کند و ملست در آتش فقر و گرسنگی بسوزند و ممکن است با وعده‌های اجانب و هدایای بربقیمت آنان راه نفوذ آنها را در کشور باز کند و دانسته یا ندانسته کشور را باستعمار و استثمار بکشانند.

۴- اهل ظلم و ستم نباشد : زمامدار اسلامی باید در حد اعلائی عدالت و حلیم و بردباری باشد و بر احدی ستم روا ندارد، با زور و قلدری بر مردم حکومت نکند، تنه‌ها هدف او اجرای عدالت و رعایت ضوابط و قوانین باشد. اگر ملت اسلامی از روی خود ستم دیدند و زور و خفقان بر آنها حاکم شد از عدالت مأیوس میشوند و کمترین زبان آن اینست که حمایت و پشتیبانی خود را از آنها بر میدارند و هر دولت که از پشتیبانی ملت خود برخوردار نباشد باسانی ساقط میشود و کشور دچار هرج و مرج میگردد .

۵- بیت المال در نظر او اهمیت داشته باشد : اگر زمامدار به تقسیم بیت المال و مصرف بودجه، کشور اهمیت ندهد و از حیف و میل آن باک نداشته باشد، بتدریج فرصت طلبان و ثروت خواهان بدور او جمع میشوند و ثروت مسلمانان را بین خود تقسیم مینمایند و خود دارای ثروت و مکنت میگردند و توده مردم محروم مینمانند و اختلاف عمیق طبقاتی بوجود میآید و قهراً انفجار بزرگی را بدنبال خواهد داشت .

۶- زمامدار نباید رشوه خوار باشد : همیشه دشمن در کمین است که از نقاط ضعف دولت‌مردان استفاده کند، اگر زمامدار اهل رشوه باشد اجانب و اجنبی خواهان با دادن رشوه

او را بطرف خود متغایل میسازند و با انعقاد قرار دادهای استعماری ذخائر کشور را بغارت میبرند و همیشه سرمایه داران زالو صفت با دادن رشوه خود را از پرداخت مالیاتهای کلان معاف میدارند و تجارتهای پر سود را در انحصار میگیرند و حقوق مستضعفان را پایمال می کنند .

۷- زمامدار باید در اجرای سنتهای مذهبی و دینی کوشا باشد : از وظائف بسیار مهم زمامدار در اسلام اینست که مردم را بخدا و معنویت دعوت کند و آنها را بانجام واجبات و مستحبات شریعت تشویق نماید و سنتهای اسلامی را رواج دهد. تجربه نشان داده است که مهمترین عامل انسجام و تحرک امت اسلامی توجه آنها بعبادات و معنویات است، تنه‌ها مسائل مادی و عوامل اقتصادی نمیتوانند عامل حرکت و رشد جامعه اسلامی باشد .

رابطه زمامداری با عبادت در اسلام :

از منابع و مدارک مذهبی استفاده میشود که از نظر اسلام هر اندازه مسئولیت‌ها سنگین تر باشد، مسئول باید رابطاتش با خدا محکمتر و عباداتش افزونتر و بمظاهر زندگی دنیویا بی اعتنائتر باشد . خداوند در سوره مزمل از قرآن مجید خطاب به پیغمبر اسلام میفرماید :
 سحر خیز باشو در دل شب نماز و قرآن بخوان نصف شب را یا کمی بیشتر یا اندکی کمتر بیدار بمان (و با خدای خود راز و نیاز داشته باش) که ما مسئولیت سنگینی برعهده تو خواهیم گذاشت

" يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ قِمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا
 "يُصَفِّهِ أَوْ أَنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْزِدْ"
 " عَلَيْهِ وَرَبِّ الْقُرْآنِ تَرْتِيلًا "
 " إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا
 " ثَقِيلًا "

(المزمل سوره ۲۴ آیه ۲ تا ۶)

خداوند قبل از آنکه مسئولیت سنگین رسالت و اداره امور امت را بر دوش پیامبر بنهد ، او را به شب زنده داری و عبادت فرا می خواند و گوشزد می کند که : چون مسئولیت سنگینی بر عهده داری ، رابطات را با آفریدگار محکمتر کن و خضوع بیشتری داشته باش .

امام علی (ع) هنگامیکه مالک اشتر را بعنوان زمامدار برای اداره امور مصر میفرستد در اول عهدنامه سفارش میکند که عبادت و طاعت خدا را بر هر چیز مقدم بدارد و فرمان خدا را در واجبات و مستحبات اطاعت کند .

"أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِيثارِ طَاعَتِهِ"

"وَأَتِياعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ"

"مِنْ كَرَاهِيضِهِ وَسُنَّتِهِ"

و در ضمن همان عهدنامه میفرماید :

بخشی از نیرو توان و تن خود را در خدمت خدا بگمار (یعنی قسمتی از اوقات شبانه روزی خود را برای عبادت خدا صرف کن و رنج عبادت را با بدن خود تحمل کن) و بکوش تا اعمالت بی عیب و بی نقص باشد (ولو بدنت رنج بسیار ببیند) بهترین اوقات خود را (برای عبادت و راز و نیاز) بین خود و خدا بگذارد، هر چند در حکومت اسلامی اگر بانیت خالص در راه سلامت امت اسلام قدم برداری همه کارت برای خداست و همه اوقات در راه او صرف میشود .

" فَأَعِطَ اللَّهُ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَ
 سَهَارِكَ وَوَفَّيْ مَا تَقَوَّيْتَ بِهِ إِلَى اللَّهِ
 مِنْ ذَلِكَ كَأَمَلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَلَا مَنقُوصٍ
 يَا لَيْفًا مِنْ بَدَنِكَ مَا بَلَغَ . . . وَاجْعَلْ
 لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ
 تِلْكَ الْمُؤَاقِبَاتِ وَاجْزَلْ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَ
 إِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَّحَتْ فِيهَا
 "النِّيَّةُ وَصَلَّتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ"

ادامه دارد